

تداییر امام حسن عسکری (ع) برای آغاز عصر غیبت

-
-
-

تداییر امام حسن عسکری (ع) برای آغاز عصر غیبت

مهدی یا جیت ساز یان



مقطع تاریخی کوتاه وسر نوشت ساز زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، درفضایی آکنده از حققان و اختناق، سپری شد. دوره امامت حضرت با خلافت ۳ خلیفه عباسی یعنی معتز،معتدی و معتمد همزمان بودودستگاه خود کامه عباسی، با زیر نظر قرار دادن ایشان دریادگانی نظامی، تنگناهاو تهدیدات ویژه‌ای را به اجرا گذاشته بود. اما امام یازدهم با درایت الهی، تهدیدهای پیش رورا به فرصت‌هایی ناب تبدیل کر ده‌آن گونه که از محدودیت‌ها ومحر و میت‌های اجتماعی به وجودآمده، بستری مناسب برای آماده سازی ذهنی جامعه معاصر خود فراهم کرد تا غیبت فرزند پرمومندش درآینده‌ای نه چندان دور،به صورت امری ملموس تبلور یابد. آن حضرت در موارد بسیاری از طریق نگارش نامه یا دوستداران خود در ارتباط بودو سوالات علمی آنها را پاسخ می دادو کمتر درانظار عمومی حضور به هم می رساند. از این رو،به پیروان خود،زندگی در عصر غیبت را در میدان آموزش می داد،تا از این حقیقت در غفلت نباشند که طریقی بهره مند شدن از برکات وجود امام، تنها در تشر ف حضوری خلاصه نمی شود و بهره مندی از فیض و جودی او، در پس پرد غیبت نیز با توسل به ساحت قدسی اش، میسر و مقدور است. امام (ع)از کوچک‌ترین مجالی که در مدت کوتاه عمر خود برای حضور در اجتماع پیدامی کرد، برای استغیری‌های علمی به هدایت آحاد جامعه استفاده می کرد وبا آشکار کردن گوشه هایی از گنجینه علم الهی خویش، پویندگان راه حقیقت را به سر منزل مقصود رهنمون می شد. در آن زمان، اسحاق کندی به تالیف کتابی پرداخت و به‌زم خود می‌خواست، ثابت کند که در قرآن کریم تناقض‌هایی وجود دارد. روزی یکی از شاگردان او، به محضر امام رسید، امام به او فرمود: آیا میان شما، دردهفمیده‌ای نیست که استاناتان را از این کار عبث و تضحیمی که گرفته است، باز دارد ؟ پاسخ گفت: ما از شاگردان او هستیم، چگونه می‌توانیم به این کار یا کارهای دیگر او اعتراض کنیم! حضرت فرمود: نزدش برو و با او الفت و دوستی کن و او را در کاری که می‌خواهد انجام دهد، یاری کن. آن‌گاه به او بگو: آیا احتیاج ای دهی که منظور نازل کننده قرآن گرفتار، معنای دیگری غیر آن باشد که تو پنداشته ای ؟ خواهد گفت: امکان دارد. هنگامی که جواب مثبت داد، بگو: از کجا اطمینان پیدا کرده‌ای که مراد و منظور قرآن، همان است که تو می‌گویی ؟ شاید تو الفاظ و عبارات را در غیر معانی و مراد آن به کار می‌بری. آن مرد نزد کندی رفت و به همان ترتیب با او مهربانی کرد تا سرانجام سوال را مطرح کرد. کندی از او خواست که سوال خود را تکرار کند و به فکر فرو رفت و آن را بنا بر ادبایت و لغت، صحیح ویر حسب اندیشه ممکن دانست. شاگردش را سوگند داد که این سوال از کجا برای تو مطرح شد؟ شاگرد گفت: چیزی بود که به خاطر مر سید و پرشش کردم! کندی گفت: ممکن نیست تو، افرادی مانند تو به طرح چنین سوالی راه یابند. شاگرد گفت: یا امامحمد(ع) به من چنین فرمان داد. کندی گفت: در دست گفתי، چنین سوالی جز از آن خاندان نمی‌تواند باشد. آن‌گاه آنچه را نوشته بود، در آتش ریخت و سوزاند. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص(۵۲۵)با توجه به تضییقات و تهدیداتی که از جانب حکومت ستمگر وقت، در باره حضرتش روا داشته می‌شد، در مواردی برخی از خواص اصحاب و یاران بر گزیده اش را به فیض دیدار فرزندش مفتخر می کرد. احمد بن اسحاق در ای باره، می‌گوید: به محضر امام عسکری (ع) رسیدم و می‌خواستم از جانشین پس از ایشان، پرسش کنم که حضرت آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق! خدای تعالی از زمان من، مناقب این خاندان را از حجت گذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نخواهد گذاشت. به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع می‌کند و باران را فرو می‌رستد و برکات زمین را بپرون می‌آورد. گفتم: امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت بر خاست و داخل خانه شد و در حالی که بر شانه اش، کودکی سه ساله بود که رخسارش می درخشید، فرمود: اگر نزد خدای تعالی و حجت‌های او گرامی نبودی، این فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم. او همانم و هم کنیز رسول الله است (ص) می‌باشد. او کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همچنان که پر از ظلم و ستم شد باشد. مثل او در این امت، مثل هیچ‌کس در اقلرن نیست. او، غیبتی طولانی خواهد داشت و خضر کس در آن نجات نمی‌یابد، مگر کسی که پروردگار در تعال، او را در اعتقاد به امامتش، ثابت بداد و در عا بر تعجیل فرج موفق کند. ... گفتم: آن سُنّتی که از خضر و ذوالقرنین دارد، چیست؟ فرمود: غیبت طولانی، گفتم: آیا به درازا می‌انجامد؟ فرمود: به خدا سوگند، آری. تا آن که به برخی گروندگان به‌او باز گردند و باقی نماند، مگر کسی که خداوند، عهد و پیمان و لایث را از او گرفته و ایمان را در دلش نگاشته و باروحی از جانب خود تأییدش کرده باشد. این احمد بن اسحاق! این امری از امور الهی و سرنی از اسرار ربوبی است. آنچه را به تو عطا کردم، بگیر و پنهان کن و از شاگردان باش، تا فر دای ما در علیین باشی. (کمال الدین شیخ، صدوق، ج ۲، باب ۳۸).

چرا ز نزال هابیز به ایران آمد؟
روز سبیز دهم دی‌ماه سال ۱۲۵۷، ژنرال «ابرت هابیز» معاون فرمانده نیروهای ارتش آمریکا در اروپا، ماهربیت یافت با هدف تشویق فرماندهان ارتش شاه به حمایت از نخست‌وزیری بختیار، به تهران سفر کند. وی در ۱۴ دی وارد تهران شد. هابیز در حالی که در قسمت بار هواپیما پنهان شده بود، بدون اطلاع قبلی، با یک هواپیمای نظامی از اشتوتگارت آلمان به تهران رفت و هواپیمای حامل وی، در فرودگاه مهرآباد به زمین نشین. هابیز در باره چگونگی ورودش به تهران در کتاب «مأموریت در تهران» می‌نویسد: «خبر ورود من به ایران به‌طور سری به اطلاع ژنرال فیلپ و بری گادس، رئیس هیئت مستشاری آمریکا در ایران رسید و به ترتیب استقیال از من، به‌طور مخفیانه داده شد.بود. درهای هواپیما که باز شد، چندین نظامی آمریکایی وارد هواپیما شدند. برخی از آنها، لباس نظامی بر تن داشتند و برخی گادس، لباس شخصی پوشیده بودند و برای تخلیه سوخت، وارد هواپیما شدند. من از هواپیما دور شدم ... در سفرهای قبلی، مهم‌ترین فرماندهان نظامی ارتش، در فرودگاه به استقبال من می‌آمدند و مراسم استقبال هم، بر طمطراق بود؛ ما این بار، با همیشه فرق می‌کرد.»

■ **چه کسی مقاله را نوشت؟**

نگارش مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» ده هفته پیش از چاپ آن در روزنامه اطلاعات صورت گرفت. «داریوش همایون»، وزیر اطلاعات و جهانگردی کابینه

■ **چرا ز نزال هابیز به ایران آمد؟**

یابختیار یا کودتای نظامی!

گزارش تاریخی

روز سبیز دهم دی‌ماه سال ۱۲۵۷، ژنرال «ابرت هابیز» معاون فرمانده نیروهای ارتش آمریکا در اروپا، ماهربیت یافت با هدف تشویق فرماندهان ارتش شاه به حمایت از نخست‌وزیری بختیار، به تهران سفر کند. وی در ۱۴ دی وارد تهران شد. هابیز در حالی که در قسمت بار هواپیما پنهان شده بود، بدون اطلاع قبلی، با یک هواپیمای نظامی از اشتوتگارت آلمان به تهران رفت و هواپیمای حامل وی، در فرودگاه مهرآباد به زمین نشین. هابیز در باره چگونگی ورودش به تهران در کتاب «مأموریت در تهران» می‌نویسد: «خبر ورود من به ایران به‌طور سری به اطلاع ژنرال فیلپ و بری گادس، رئیس هیئت مستشاری آمریکا در ایران رسید و به ترتیب استقیال از من، به‌طور مخفیانه داده شد.بود. درهای هواپیما که باز شد، چندین نظامی آمریکایی وارد هواپیما شدند. برخی از آنها، لباس نظامی بر تن داشتند و برخی گادس، لباس شخصی پوشیده بودند و برای تخلیه سوخت، وارد هواپیما شدند. من از هواپیما دور شدم ... در سفرهای قبلی، مهم‌ترین فرماندهان نظامی ارتش، در فرودگاه به استقبال من می‌آمدند و مراسم استقبال هم، بر طمطراق بود؛ ما این بار، با همیشه فرق می‌کرد.»

■ **عبور از خیابان‌های تهران**

هابیز در شب اول ورودش به تهران، در باره وضعیت این شهر می‌نویسد: «عبور از خیابان‌های تهران، برای من تکان دهنده بود. این شهر پر تحرک، اینک کاملاً فلج شده بود؛ خیابان‌ها خالی بودند؛ حتی یک اتومبیل، اتوبوس یا موتور سیکلت هم در خیابان‌ها دیده نمی‌شد. از میدان شهید (آزادی) تا آن سوی شهر، همه خالی و بی‌نظم به نظر می‌رسید. مغازه‌ها بسته، پیاده‌روها خالی و جایگاه‌های بنزین تعطیل بودند. ... روی پنجره‌ها، یک در میان، تصویر آیتا... خمینی دیده می‌شد. نیروهای مخالف، کنترل را در دهن ای حیاتی را در دست گرفته بودند. «هابیز از فرودگاه مهرآباد ابتدا به منزل ژنرال هووی استون (Howie Stone) در مانده بخش نیروی زمینی در دفتر وابسته نظامی و مستشاری نظامی آمریکا در تهران رفت. در این محل، اعضای مهم و اصلی اداره مستشاری جمع بودند. ژنرال گاست، رئیس اداره مستشاری، ژنرال جرج کرتز (George Kertesz) کمابند نیروی هوایی و کمبار فرانک کولینز (Frank C. Collins)، نماینده نیروی دریایی. این افسران، هابیز را در جریان امور نظامی ایران و اداره مستشاری قرار دادند. همه آنان یک نظر مشترک داشتند و آن این بود که اوضاع ایران از کنترل خارج شده‌است. سپس هابیز، به منزل ژنرال گاست رفت و شب را بدون پلک بر هم‌زدن به صبح رساند. دکتر مهران کامروا، استاد و رئیس گروه علوم سیاسی دانشگاه نورث ریچ (Northridge) آمریکا، در کتاب خود، در باره چگونگی اعزام هابیز به ایران می‌نویسد: «گرچه دولت کارت کاملاً از بختیار حمایت کرد، اما بسیاری در وزارت خارجه، از جمله سفیر سولیوان، فکر نمی‌کردند او بتواند ماه ژانویه را پشت سر بگذارد. رئیس جهور کارت،

گزارش تاریخی از چرایی و چگونگی وقوع قیام ۱۹ دی مردم قم

آغاز شمارش معکوس برای سقوط شاه

«آموزگار» که مدت‌ها متهم به نگارش این مقاله بود، بعدها، ضمن رد این اتهام، مدعی شد که متن مقاله، در پاکتی سر به مهر، از سوی نخست‌وزیر برای او فرستاده شده‌است. «جمشید آموزگار»، نخست‌وزیر وقت نیز، این نوشته را، کار هویدا و وزارت دربار می‌دانست و مدعی بود از محتوای آن اطلاعی نداشته‌است. به هر حال، بارسیدن مقاله به تحریریه روزنامه اطلاعات، مسئولان این روزنامه برای چاپ آن به شدت مُرّذ بودند. ظاهراً، همه مقامات و وابستگان رژیم، به جز شاه و دربار، می‌دانستند که چاپ مقاله «احمد شهیدی مطلق»، چه تبعات سنگینی خواهد داشت. «احمد شهیدی»، قائم مقام مدیر مسئول روزنامه اطلاعات، طی تماسی با «داریوش همایون»، نسبت به محتوای توهین‌آمیز مقاله و واکنش عمومی علیه آن، هشدار داد؛ اما وی با پر خاش و تهدید به «شهیدی» دستور داد که مقاله را در روزنامه چاپ کند. تلاش‌های دیگر مسئولان روزنامه اطلاعات، برای چاپ نکردن مقاله در روزنامه، راه به جایی نبرد. به همین دلیل، «حسین بنی‌احمد»، سردبیر وقت اطلاعات، پیش از چاپ مقاله، از مسئولیت خود استعفا داد. «محمد حدیری» که در آن‌زمان عضو گروه و خون کشیدن مردم در قیام ۱۵ خرداد، معتقد بود که این قیام به پایان رسیده‌است؛ اما وقایع پس از شهادت آیتا... سید مصطفی خمینی در آن‌ماه سال ۱۲۵۶، ثابت کرد که طی این مدت، نهضت اسلامی، نه تنها فراموش نشده، بلکه با تلاش و مجاهدت‌های امام(ره) و شاگردان و دوستداران ایشان، از جایگاه ویژه‌ای در افکار عمومی بر خوردار شده‌است. راهپیمایی و اعتراض مردم به رژیم در مراسم یادبود شهید آیتا... سید مصطفی خمینی در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و نیز، شعارها و اعتراضات گسترده مردمی به این جنایت، پس از اقامه نماز عبد فطر، وقایعی بود که این مسئله را برای شاه و اطرافیانث ثابت می‌کرد. با این حال، شاه باز هم حاضر نبود از حصار توهमत خود خارج شود و اقعیت‌ها را ببیند. این موضوع را می‌توان در چرایی و چگونگی نگارش مقاله جنجالی روز ۱۷ دی‌ماه سال ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات، یعنی مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه»، مشاهده کرد؛ مقاله‌ای که حتی عنوانش، متأثر از تحلیل شاه در باره علل اعتراضات مردم بود. «ایران و استعمار سرخ و سیاه»، در واقع واکنش انفعالی رژیم به تداوم و پویایی نهضت اسلامی، با وجود ۱۴ سال اختناق و دیکتاتوری بوده؛ نوعی فرار رو به جلو برای مخدوش کردن هیئت نژد مردم. این اقدام سنجیده و به دور از تدبیر و واقع‌بینی که به پیشنهاد هویدا، وزیر دربار و تأیید شاه انجام شد، مانند جر قه‌ای در انبار باروت، خشم فرو خورده ملت را شعله‌ور و مبارزات مردمی را وارد مرحله‌ای تازه کرد.

■ **لبریز شدن کاسه صبر مردم**
با انتشار روزنامه در ۱۷ دی‌ماه سال ۱۳۵۶، نخستین اعتراضات در قم و توسط طلاب علوم دینی آغاز شد.

داریوش همایون (۱۳۸۹–۱۳۰۷ ه‍.ش)

تعدادی از مدرسان برجسته حوزه علمیه قم، در منزل «آیتا... حسین نوری همدانی» جمع شدند تا درباره نحوه برخورد با چنین اقدامی، تصمیم بگیرند. از سوی دیگر، طلاب با حضور در بیوت مر ارجع تقلید، خواستار مجازات مسببین و واکنش در خور به چنین اهانت آشکاری شدند. روز ۱۸ دی‌ماه، تمام جلسات درس حوزه علمیه تعطیل اقشار مختلف مردم، مقابل مدرسه «خان» اجتماع کردند و از همان‌جا، حرکت به سمت بیوت مراجع تقلید و علمای برجسته حوزه علمیه قم، آغاز شد. نیروهای ساواک و شهربانی کوشیدند سدر اه‌نظار کنندگان شوند، اما این کار فایده‌ای نداشت. عصر روز ۱۸ دی‌ماه، دانش‌آموزان قمی به طلاب پیوستند و اعتراضات شدت بیشتری پیدا کرد. وضعیت شهر قم، به شدت ملتهب شده بود. عوامل رژیم نتوانستند اجتماع هزاران نفری مردم، در حرم حضرت معصومه (س) و مسجد اعظم را متفرق کنند. با تلاش طلاب و دانش‌آموزان، تظاهرات و اعتراض، روز بعد، یعنی ۱۹ دی‌ماه نیز، ادامه پیدا کرد. درس‌های حوزه علمیه در این روز هم، تعطیل بود. ساعت ۳ بعداز ظهر، جمعیتی انبوه، بر اساس قرار قبلی، مقابل بیت «آیتا... حسین نوری همدانی» جمع شدند و به سخنرانی این مدرس برجسته حوزه علمیه گوش فرادادند. او طی یک سخنرانی شورا انگیز و انقلابی، به سیاست‌های ضددینی رژیم پهلوی تاخت و اهانت به امام خمینی (ره) را، اهانت به تمام علما و مراجع دانست و خطاب به شاه و دربار گفت: «چون تو خفاشان بسی بینند خواب / کین جهان ماند نتیم از آفتاب / مه فشانند زور و سگ عوعو کند / هر کسی بر طینت خود می‌تند».

جمعیت خشمگین، پس از استماع سخنرانی «آیتا... نوری همدانی» وارد خیابان «صفائییه» شد. مأموران ساواک و شهربانی، برای سرکوب اعتراض مردمی، به جمعیت حمله کرد. لحظاتی بعد، صدای گلوله از گوشه و کنار برخاست. ۱۵ نفر از راهپیمایان معترض، هدف گلوله مستقیم نیروهای امنیتی شاه‌گر گرفتند و شهید و مجروح شدند. ظاهراً کشتار و سرکوب، به سیاست اصلی رژیم شاه برای پایان دادن به اعتراضات تبدیل شده بود. مأموران حتی به بیمارستان‌های شهر قم هجوم بردند و اقدام به بازداشت مجروحان و اقهه و پرن‌پیکرهای شهیداکر دند. این کار، در بیمارستان آیتا... العظمی گلیا یگانی، با واکنش شدید ایشان و پرن‌پیکر، به دستور این مرج تقلید، پرسنل بیمارستان، از تحویل پیکر شهیدابه مأموران ساواک خودداری کردند. بازتاب این واقعه، خشم گسترده مردم از ظلم و ستم رژیم پهلوی بود. برگزاری مراسم چهل‌شهادی قم، خود بستری برای گسترش مبارزات در شهرهای دیگر رژیم شاه این مراسم را با خشونت تمام سرکوب می‌کرد. به شهادت رسیدن تعدادی از شرکت‌کنندگان در این مراسم، زمینه برگزاری مراسم چهل‌م در شهرهای دیگر شد. این چنین بود که قیام، فراگیر شد و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به‌ثمر نشست.

۴ژانویه (۱۴ دی) وارد تهران شد و به سرعت برای ملاقات باتامی فرماندهان نظامی کلیدی اقدام کرد. او پس از نشست‌های طولانی، با تک‌تک فرماندهان شاخه‌های نظامی و دیگر افسران عالی‌رتبه، آنها را در «حالتی کاملاً ناشنیده» همگی نگران امنیت شخصی‌شان بودند و می‌خواستند در صورتی که شاه کشور را ترک کرد، به‌او یعنی بار سوزن و سولیوان، به‌خاطر فشار آوردن به شاه برای ترک کشور خشمگین بود. آنها همگی اظهار می‌کردند که بختیار چیزی خیلی کمی می‌تواند به دست آورد اوا را فقط مردی پشت میز نشین می‌نامیدند.»

خبرگزاری آسوشیند پرس در باره عزیمت هابیز به تهران در گزارش از واشنگتن اعلام کرد: «دولت آمریکا برای حصول اطمینان از حفاظت دقیق از تجهیزات نظامی و جاسوسی مخفی این کشور، در ایران، یک ژنرال چهار ستاره به ایران فرستاده‌است. فرستاده آمریکا همچنین، نفوذ ارتش را در صورت تکرار آمدن دولت چبگرا در ایران، را بپشنهاد و وزارت دفاع آمریکا اعلام کردند که ر ابرت هابیز را مقامات نظامی ایران به مشورت پرداخته‌است و مقامات آمریکایی امیدوار از ارتش بتواند نفوذ خود را برای برقراری ثبات در ایران حفظ کنند.»

مقامات آمریکایی نگران وسایل و تجهیزات امنیتی سری خود هستند که در ایران به کار گرفته شده‌است و این نگرانی، به‌ویژه باروی کار آمدن احتمالی یک دولت طرفدار شوروی یا پرن‌پیکر و مرج، به دنبال پایان یافتن حکومت استبدادی در ایران، شدت می‌یابد. «جیمز بیل در کتاب «شیر و عقاب» در باره چگونگی اعزام هابیز به تهران و هدفش از این مأموریت می‌نویسد: «توصیه‌های می‌ثم‌بال، در مورد دورایران، خیلی زود جای خود را بپشنهاد و وزارت دفاع داد که از سوی برژینسکی مورد حمایت قرار گرفته بود. به این ترتیب که یک افسر عالی رتبه نظامی به ایران فرستاده شود تا بانبروهای مسلح ایران تماس بگیرد. هابیز با این مأموریت که نیروهای ارتش ایران را منسجم و به آنها گوشزد کند که ایالات متحده از رژیم فعلی پشتیبانی خواهد کرد، کودتا را به عنوان آخرین حربه در نظر گرفته بود، اما

برژینسکی، مأموریت هابیز و دستورات مهر اهنش را چراغ سبز برای کودتا می‌دانست. برژینسکی می‌نویسد:

«هیچ‌یک از مأموریت‌های این افراد بود که اسرائیل نظامی را، در صورت لزوم، پی‌ریزی و در این میان، ه‌بری مورد نیاز را ایجاد کند. در این زمان، برژینسکی، با بی‌میلی به

این نتیجه‌ر سیده بود که یک دولت نظامی بدون شاه، «تنها چاره‌اندیشی برای دولت کامروا در ایران است». مهران کامروا، در باره فعالیت‌های هابیز پس از ورود به تهران می‌نویسد: «هابیز در آنکهی دعوت از سهامداران شرکت پارسیاران خراسان سهمی خاص ثبت شده به شماره ۲۵۵ جهت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده با شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۵۶۴۹۹۹۰۰۰» بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۰ در محل قانونی شرکت به آدرس چناران- شهرک صنعتی چناران- صنعت ۱۹ صندوق پستی ۹۳۶۱۵۱۹۹۹۶۱۱۹۳۹۱۷۱ تلفن ۴۶۱۳۹۱۷۱ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱- تغییر موضوع فعالیت شرکت

۲- افزایش سرمایه شرکت

۳- وسایر مواردی که در صلاح این مجمع باشد.

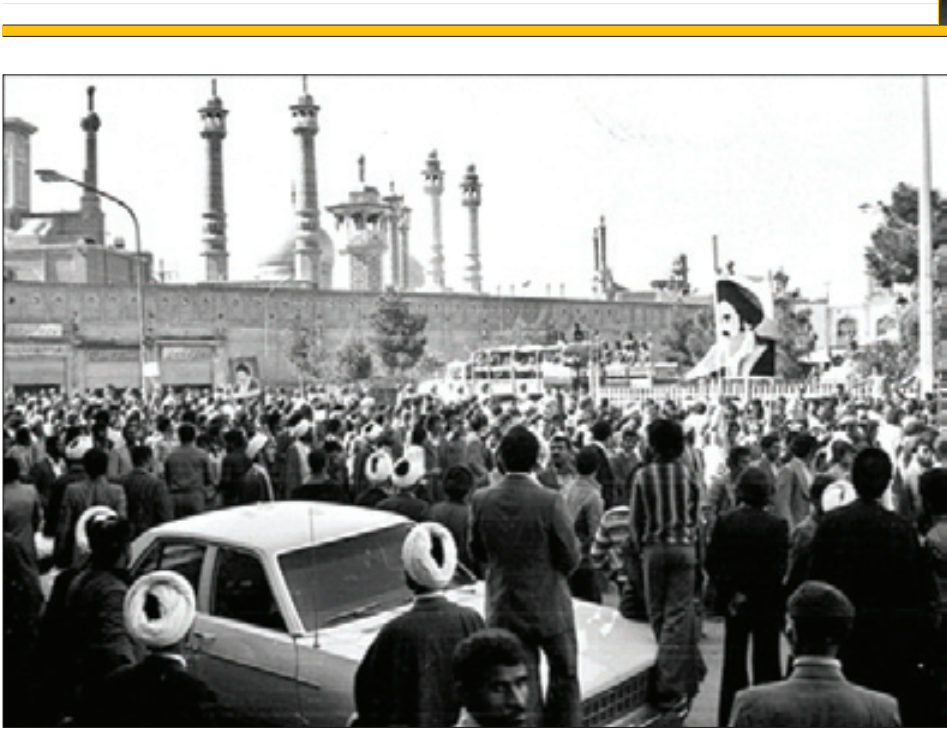
با تشکر- ایرج یزدانیشخ

رئیس هیئت مدیره

۱/۹۵۲۰۱۷۹۰۰۰

خبرسان روزنامه‌صح ایران یکشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۵، ۹ ربیع الثانی ۱۴۳۸، شماره ۱۹۴۴

از سیاستمداران دوره پهلوی دوم بود. او مدتی در وزارت دارایی کار کرد و پس از ادواج با خواهر ارشدیر زاهدی، توانست به مناصب مهم دولتی دست پیدا کند. همایون در زمان نخست‌وزیری جمشید آموزگار، «وزیر اطلاعات و جهانگردی شد. او از اعضای عالی‌رتبه حزب ستاخیز نیز به حساب می‌آمد. در زمان وزارت همایون و با دستور او، مقاله توهین‌آمیز «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات چاپ شد.



هابیز به تهران در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی می‌نویسد: «من از ورود هابیز اطلاع داشتم و محمدرضا پهلوی نیز اطلاعی نداشت.» رابرت هابیز در باره مأموریت خود در ایران در کتاب مأموریت در تهران می‌نویسد: «اولین مسئله‌ای که باید با آن روبه‌رو می‌شدیم، رفتن شاه بود. باید در می‌یافتیم که هر کدام از فرماندهان با رفتن شاه چه می‌کنند؟ واشنگتن در ست فکر کرده بود و وظیفه اصلی ما، طبق دستور کارت، جلوگیری از فرار فرماندهان (بعد از رفتن شاه) بود. باید فرماندهان می‌ماندند و در تثبیت دولت و در دست گرفتن اوضاع مملکت، کمک می‌کردند. مسئله دوم، اگر اه آنها از کار با بختیار بود. به بختیار قلیا اعتماد نداشتند. ترس آنها ا درک می‌کردم. بختیار، عضو جبهه ملی بوده و همه می‌ترسیدند که ورود او به‌معنی خروج دیگران باشد، همه نگران بودند که بختیار ممکن است خبر تشکیل «هیئت کودتا» را شنیده باشد و در آن صورت، به محض رفتن شاه، آنها را قلع و قمع کند. مسئله سوم، تهیه نگاه داشتن ارتش ایران برای انجام چنین برنامه‌ای در صورت ضرورت بود و با رفتن شاه از ایران، فقط واشنگتن می‌توانست علامت لازم را برای اجرای این نقشه در ایران بدهد.» از تشدید حسین فردوست در باره پنهانی بودن سفر

منبع: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

جناب آقای سید شریار بهنام

کسب مدال طلا مسابقات وزنه برداری کشور

با پشت سرگذاشتن قهرمان جهان را تبریک عرض نموده و از خداوند متعال فتح حلق های موفقیت را برایت آرزومندیم.

خانواده ات

۰۲۱۰۲۵۲۰۲۷۵۵

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت دوم)

شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی در نظر دارد مناقصه عمومی اجرای پروژه احداث واحدهای کارگاهی شهرک صنعتی تربت حیدریه به ۲ به مشخصات زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir سایت انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۳۹۵/۱۰/۱۸ می باشد.
آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۵
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۶
زمان بازگشایی پاکتها: ساعت ۱۵ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۶
اطلاعات تماس شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکتهای «الف»: مشهد- بلوار خیام- بعد از خیام۵- تلفن: ۰۵۶۵۹۲۰۰۳-نمابر ۳۷۶۴۲۰۰۳
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۲۷۲۱۳۱۳۱-۲۷۲۱۳۱۳۱-۰۲۱ دفتر ثبت نام تهران در تهران ۰۸۹۶۹۷۳۷۸ و ۰۸۹۶۹۷۳۷۸-۰۲۱ و در مشهد ۰۴۴۳۳۴۹۰۴۴-۰۵۱ مشخصات کار: اجرای کامل واحدهای کارگاهی با زیربنای ۱۱۰۰ مترمربع شامل حدود ۱۱۷۳۰ کیلوگرم آرماتوربندی، ۴۳۶ مترمکعب بتن ریزی، ۶۴۰۵ کیلوگرم اسکلت فلزی، ۱۲۰۰ مترمربع ساندویچ پنل سقفی و ۱۲۰۰ مترمربع ساندویچ پنل دیواری براساس بخشنامه سرجمع.
این نامه تضمین شرکت در مناقصه به شماره ۰۲۰۱۲۳۴۰۲۰۹۴۶۹/۲۲-۹۴/۹/۲۲ می باشد.
رشته و پایه تشخیص صلاحیت پیمانکاران:ساختمان و ابنیه- تمامی پایه ها.

شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی

۱/۹۵۲۰۱۷۹۰۰۰

CMYK